



نقد الگوی اسلامی - ایرانی نظارت مالی بر انتخابات مجلس شورای اسلامی

و مقایسه آن با الگوی مشابه در فرانسه

صمد عالی، رضا طجرلو، ولی رستمی^۳

۲۹

دوره ۱۲، شماره ۱، پیاپی ۲۹
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۲/۲۵

صص: ۲۱۷-۱۹۵

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۲۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی، سلامت کوآپی، در
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23295599.1403.12.1.9.7

چکیده

انتخابات نمود بارز دموکراسی بوده و آثار سیاسی ملموسی به دنبال دارد. از این رو کمک مالی برای پیروزی در انتخابات، می‌تواند جنبه سرمایه‌گذاری سیاسی داشته باشد. قانون نظارت مالی در کشور ما، دریافت کمک مالی از منابع غیرمعارف را منع کرده است. در کشور فرانسه، منع کامل برای دریافت این کمک‌ها وجود نداشته و حسب سابقه سیاسی و خوش‌نامی نامزدها، سقف منبع هر کمک متفاوت است. سوال اصلی پژوهش اینکه وجوه افتراق و اشتراک، و همچنین نقاط قوت و ضعف الگوی ایرانی و فرانسوی نظارت مالی بر انتخابات چیست و بایسته‌های اعمال الگوی فرانسوی در ایران به چه صورت است؟ این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی باهدف قیاس بین دو الگو انجام شده و قابلیت اعمال الگوی فرانسوی در کشور را نیز بررسی نموده است. چنین نتیجه شد که الگوی نظارت مالی کنونی در کشور، به لحاظ حمایت از قاعده «نفی سبیل»، دارای جنبه اسلامی می‌باشد، اما ضمانت‌های اجرایی آن به‌خوبی لحاظ نشده است. در کشور فرانسه، باوجود پیچیده بودن الگوی نظارتی، ضمانت‌های بهتری برای عدم تخلف پیش‌بینی شده و بازدهی این الگو بهتر است. اما سازوکار نظارتی موجود در فرانسه ضمانت اجرای این الگو بوده که به‌کارگیری آن در کشور ما قابلیت اجرا ندارد. از این رو در وضعیت فعلی اجرای این الگو در کشور توصیه نشده و پیش‌زمینه آن، اصلاح زیرساخت‌ها و سپس قانون مربوطه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: الگوی اسلامی - ایرانی، الگوی فرانسوی، مشارکت سیاسی، نظارت مالی.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) bhrambykybyta@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۱- مقدمه

از آنجاکه پیروزی در انتخابات مستلزم صرف هزینه‌های تبلیغاتی می‌باشد، معمولاً در جریان مشارکت اجتماعی-سیاسی، افراد مختلف با تأمین این هزینه‌ها برای نامزد (موردنظر، برای آینده سیاسی خود سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر انجام داده و نامزد نیز در صورت پیروزی، در قبال دریافت این کمک‌ها، خود را موظف به کمک به مساعدين می‌داند؛ کما اینکه این خواسته‌ها ممکن است مشروع/نامشروع قلمداد شود. بنابراین کمک‌کنندگان به نامزد، به جریان سیاسی وارد شده که در صورت عدم نظارت صحیح بر آن‌ها موجب بروز مشکلات سیاسی می‌گردند (احمدی، ۱۳۹۴: ۵۵). گاه منبع کمک مالی به نامزد، خارجی بوده که به معنای دخالت دولت بیگانه در نظام سیاسی آن کشور است. تأمین صحیح هزینه‌های تبلیغاتی نامزدها نقش مهمی در سلامت نظام انتخاباتی و همچنین جلوگیری از فسادهای مالی و سیاسی بعد از احراز پست‌های مربوطه دارد. اصول حاکم بر تبلیغات بخش مهمی از قوانین انتخاباتی را به خود اختصاص می‌دهد؛ اما قوانین انتخابات سیاسی جمهوری اسلامی ایران توجه کافی به نظارت بر بعد مالی تبلیغات انتخاباتی نشان نداده است و این اجمال و نارسایی هم شامل عدم تعیین سقف برای هزینه‌های تبلیغات بوده که در قوانین انتخاباتی اغلب کشورها کمابیش موردتوجه قرار گرفته است (روبتکوا^۱ و پاونکو^۲، ۲۰۱۸: ۷۷).

آزادی و رقابت در امر تعیین سرنوشت از طریق مشارکت همگانی در امور سیاسی، اگرچه فی‌نفسه مطلوب است، اما میل به قدرت عاملی است که اکثراً رقابت ناسالم را به همراه دارد. برای احتراز از مفاسد احتمالی، امر نظارت بر آرای عمومی پذیرفته‌شده است (حیبی، ۱۳۹۰: ۲۵۱).

اصل حاکمیت قانون یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حوزه‌ی حقوق عمومی، ارزشی جهان‌شمول دارد. ارزیابی هر نظام سیاسی و حقوقی با ملاک حاکمیت قانون بررسی می‌شود. براساس این اصل، مقامات و نهادهای حاکم دولتی موظف به انجام وظایف خویش بر اساس قانون در یک جامعه‌ی دمکراتیک هستند. در نظام مبتنی بر حکومت قانون، نظارت مطلوب، نظارت قانونی است و هر چیزی غیراز آن در مغایرت آشکار با حاکمیت قانون خواهد بود (خسروی، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

1	Candidate
2	Rubtcova
3	Pavenkov

در کشور ما، قانون نظارت مالی بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، بسیار دیرنگام و در سال ۱۳۹۸ به تصویب رسید.^۱

این پژوهش با این هدف انجام شده که الگوی ایرانی و فرانسوی نظارت مالی بر انتخابات را مورد واکاوی قرار داده و نقاط قوت و ضعف هر یک را مشخص نموده و ضمن بررسی قابلیت اعمال الگوی فرانسوی در کشور، پیشنهادهای اصلاح قانون فعلی را ارائه نماید. ابتدا مبانی نظری و علمی هر دو الگو بررسی شده و سپس ضمن قیاس آن‌ها با یکدیگر، پیشنهادهای اصلاح تقنینی ارائه گردیده است.

۲-سوالات و اهداف

سؤال پژوهش اینکه وجوه افتراق و اشتراک، و همچنین نقاط قوت و ضعف الگوی ایرانی و فرانسوی نظارت مالی بر انتخابات چیست و بایسته‌های اعمال الگوی فرانسوی در ایران به چه صورت است؟ هدف پژوهش نیز پاسخ‌دهی به این سؤال می‌باشد.

۳- پیشینه پژوهش

صادقی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد باعنوان «ضمانت‌های حقوقی سلامت انتخابات» بیان داشت که آینده سیاسی نامزدها یکی از مشکلات اصلی سلامت انتخابات محسوب می‌شود. قمری و اعظم پور (۱۳۹۶) در کتابی باعنوان «شفافیت در هزینه‌های انتخاباتی و نقش آن در کاهش فساد» بیان داشتند که پرداخت هزینه انتخاباتی به معنای سرمایه‌گذاری پریسک

۱ در خصوص نظارت مالی بر انتخابات نیز به نظر می‌رسد که قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۹۸ بسیار ناقص است. زیرا اولاً که سازوکار نظارت تنها در خصوص نمایندگان مجلس شورای اسلامی بوده و دیگر انتخابات‌ها از این قانون مستثنی هستند. ثانیاً که با ممنوعیت کمک اشخاص حقوقی به نامزدها، این اشخاص توسط اشخاص حقیقی مورد اعتماد خود کمک‌های لازم را به نامزد رسانده که به‌نوعی دور زدن قانون تلقی می‌شود. از طرف دیگر اشخاص حقوقی خود توسط اشخاص حقیقی اداره شده که حمایت همان شخص حقیقی از یک نامزد به معنای تضمین آینده خود پس از پیروزی نامزد موردنظر می‌باشد. از طرف دیگر استقلال هیئت نظارت چندان واضح نبوده و درنهایت این‌که اقدامات لازم که تاکنون در خصوص شفافیت مالی تأمین هزینه‌های انتخاباتی انجام شده هیچ‌یک مثرتر قرار نگرفته است.

در خرید قدرت است که به نوعی فسادزاست. مرادپور (۱۳۹۷) در کتابی باعنوان «هزینه‌های مالی در نظام انتخاباتی ایران» ضمن قیاس آن با وظیفه قوه قضائیه در خصوص نظارت بر اموال مسئولین، توانایی قوه نظارت را محدود خواند. یوسفی (۱۳۹۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد باعنوان «شفافیت هزینه‌های مالی و تأثیر آن در انتخابات» چنین بیان داشت که نظام قضائی به صورت کامل قادر به رصد هزینه‌های انتخاباتی نبوده و رجال سیاسی از نفوذ لازم برای شناخت منابع نامشروع بهره‌مندند. اکبری و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق علمی باعنوان «هزینه‌های انتخاباتی و آزادی سخن» چنین بیان داشتند که حق محدودیت هزینه انتخاباتی مغایرتی با حق بر آزادی بیان ندارد اما این محدودیت‌ها نباید بسیار کلی باشد و باید به شکل کاملاً محدود و در حد ضرورت انجام گیرد. پارسا و عطریان (۱۳۹۹) در تحقیق علمی باعنوان «شفافیت هزینه‌های انتخاباتی و نقش آن در تحقق حکمرانی مطلوب» بیان داشتند که ضمانت قاطع صحت انتخابات هم از نظر صحت نظرسنجی و هم از نظر هزینه‌ها شامل تلاش‌های نظارتی و مجازات‌های کیفری برای آشکار کردن هزینه‌های انتخابات نامزدی برای انتخابات است. قانون پیشنهاد می‌کند حساب‌های بانکی برای هیئت‌های انتخاباتی مربوط به انتخابات ایران برای نامزدها برای نظارت بر فعالیت‌های تصمیم‌گیری در مورد نامزدها، تحریم حمایت مالی خارجی و نظارت بر حمایت مالی از طرفداران، انتخاب شود.

داموند^۱ و کانتته^۲ (۲۰۱۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد باعنوان «ژئوپولیتیک سنگال. از سنقر تا انتخابات سال» چنین بیان داشتند که نظارت جامع بر کل اعضای جامعه زمینه برای مقابله با فساد را فراهم می‌کند، چراکه پول نامشروع یا باید به حساب شخص فاسد وارد شود یا به حسابی دیگر باشد که اگر نظارت جامع باشد، می‌توان ثروت بادآورده در حساب هر شخص عادی یا سیاسی را شناسایی کرده و وی را مورد بازجوئی قرار داد. بدین صورت امکان پول‌شوئی به حداقل مقدار لازم خواهد رسید. گرافیلو^۳ (۲۰۱۹) در پایان‌نامه دکتری باعنوان «قانون دموکراسی برزیل و پیامدهای آن بر قانون رقابت» چنین بیان داشت که در کشور برزیل، به دلیل مافیای پیچ‌درپیچ فساد، تاکنون امکان شفاف‌سازی هزینه‌های انتخابات نبوده است. فی^۴ (۲۰۲۰) در کتابی

1	Dumont
2	Kante
3	Guerra Filho
4	Fee

باعنوان «بررسی ساختار سیاسی نژاد و هویت قومی در مالزی و سنگاپور» چنین بیان داشت که تعصبات قومی خود یک مانع بزرگ در جهت شفافیت‌های رقابتی می‌باشد. اسمیت^۱ (۲۰۲۱) در کتابی باعنوان «مروری بر تاریخچه دکترین قانون‌گذاری دولت مستقل» بیان داشت که قانون‌گذاران دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی را در قالب قانون تدوین و تصویب می‌نمایند. هاسن^۲ (۲۰۲۲) در تحقیق علمی تحت عنوان «شناسایی و حداقل سازی ریسک انتخابات و سرقت‌های انتخاباتی» یکی از مشکلات مهم اجتماعی-سیاسی، مافیای انحصار است. آسانته^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیق علمی تحت عنوان «درک مکانیزم توسعه سیاست بدون هزینه در آفریقای جنوب صحرا» چنین بیان داشتند که در نظام قانون‌مند که شهروندان حامی آن باشند، نیازی به خرید موقعیت سیاسی در جریان انتخابات نیست و در این شرایط شفافیت مالی خودبه‌خود ایجاد خواهد شد.

در بررسی پیشینه تحقیقات، چنین مشخص است که جملگی محققان به لزوم ممانعت از تأمین هزینه‌های انتخاباتی از منابع نامشروع اشاره داشته و سیاستمداران را در این باره مسئول دانسته‌اند. اما به راهکارهای مقابله با آن و همچنین نقد قوانین موجود در این خصوص توجهی نشده و نیاز است که در کشور ما، نظارت مالی بر این مهم از جهات مختلف شامل تقنینی، اجرائی و قضائی بررسی شده و ضمن شناسایی چالش‌های آن، راهکارهای مقابله با آن مورد بحث قرار گرفته و پیشنهادهای اصلاحی به مسئولین مربوطه ارائه شود. بنابراین تحقیق کنونی به صورت جامع، ضمن قیاس دو الگوی ایرانی و فرانسوی نظارت مالی بر انتخابات، راهکارهای اصلاح این قانون را ارائه داده و از این حیث دارای نوآوری می‌باشد.

۴- مبانی نظری

در این قسمت، مبانی و مفاهیم واژگان پژوهش شرح داده شده است. باتوجه به موضوع پژوهش که پیش‌تر تشریح شد، معرفی الگوی‌های مورد بررسی نظارت بر انتخابات (ایرانی و فرانسوی) مورد توجه قرار گرفته است.

1	Smith
2	Hasen
3	Asante

۱-۴ الگوی اسلامی

الگوی ایرانی مدنظر، دارای جنبه اسلامی بوده و از این حیث الگوی اسلامی-ایرانی دانسته می‌شود. مهم‌ترین ناظر فقهی اسلامی بر هزینه‌های انتخاباتی، قاعده مهم «نقی فی سبیل» می‌باشد. به موجب اصل ۱۶۷ ق.ا.م.نابع فقهی بخشی از منابع حقوقی محسوب می‌شوند. بنابراین حکومت قواعد فقهی بر مسائل حقوقی غیرقابل انکار است. یکی از قواعد مهم ناظر بر نفوذ بیگانگان به کشور، قاعده نفی سبیل است. این قاعده به‌عنوان یک اصل فقهی، تأثیر فراوانی بر ذهنیت و دستگاه فکری نخبگان دینی - سیاسی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران گذاشته است. براساس این قاعده، خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راهی را برای نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین باز نگذاشته است. مبنای این اصل آیات ۴۱، ۴۳ و ۴۴ سوره نساء و حدیث معتبر اعتلا است (نائینی، ۱۴۱۳ ه.ق: ۱۲۱). در میان فقهای اسلامی امام خمینی (رحمه الله علیه) در نوشته‌ها و اقدامات خود در عرصه حکومت، بیشترین توجه را به این اصل مبذول داشته و ضمن برشمردن آن به‌عنوان یکی از قواعد فقهی در استنباط آموزه‌های سیاسی اسلام، آن را از جنبه سلبی و ایجابی مورد توجه قرار می‌دهد. جنبه سلبی این قاعده نفی ظلم و ستم و استبداد و استعمار برای حفظ استقلال و نفی وابستگی می‌باشد و جنبه ایجابی آن نیز حفظ نظام اسلامی و ارتقاء منزلت جمهوری اسلامی نزد مسلمانان و مستضعفان جهان است.

موضوع تحریم تنباکو و کاپیتولاسیون (توسط میرزای شیرازی و امام خمینی) و اصل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، برآمده از چنین قاعده‌ای است. قانون اساسی ایران در اصول متعدد خود با استناد به نفی سبیل به‌خصوص در سیاست خارجی، رفتار سیاسی دستگاه دیپلماسی ایران را طراحی و جهت‌دهی می‌کند.

از منظر اسلام، حفظ اعتلا و برتری مسلمانان و نظام حکومت دینی یک اصل اساسی و یک هدف مهم محسوب می‌شود (حلی، ۱۴۰۹ ه.ق: ۱۷۴). در دیدگاه فقه اسلامی، خصوصاً فقه امامیه، سلطه و چیرگی دشمنان بر جامعه اسلامی و مسلمانان امری نارواست و برتری کفار بر مسلمین چه در نظام تکوین و چه در نظام تشریح ممکن و پذیرفتنی نیست (انصاری، ۱۴۲۰ ه.ق: ۱۴۷). باتوجه به این عقیده هرگونه مبادلات و مراوداتی که باعث افزایش و گسترش نفوذ

غیرمسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی گردد به نحوی که آنان بتوانند در امور مسلمین دخالت کنند، ممنوع و ناصحیح تلقی می‌شود.

اندیشمندان و فقهای اسلامی برای حفظ عزت و عظمت مسلمانان با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) قاعده فقهی‌ای را به‌عنوان قاعده نفی سبیل تأسیس کرده‌اند. براساس قاعده فقهی نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود (اصفهانی، ۱۴۱۶ ه.ق: ۴۲۲). از نظر سیاسی پذیرفتن تحت‌الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهای اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است و از نظر نظامی تسلط بر مقدرات و تدبیر نظامی را نیز در برمی‌گیرد. در ضمن، عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع استشاره و مشورت در حوزه‌های فرهنگی و نظامی در روابط خارجی مدنظر است. این قاعده بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از بین بردن زمینه‌های وابستگی است.

بنابراین، کفار در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند شرعاً بر سرنوشت مسلمانان مسلط باشند. خداوند هرگز (نه در گذشته و نه در آینده) برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است (نساء / ۱۴۱). منظور این آیه بسته شدن راه تسلط تشریعی و تقنینی کفار نسبت به مسلمانان است؛ یعنی قوانین فقه و حقوق بین‌الملل اسلامی هیچ‌گونه راه تسلط کفار و غیرمسلمان بر سرنوشت و حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی مسلمانان را شرعاً و عقلاً مجاز و روا نمی‌شمارد (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۴۴۳). اهم عناوین ذیل مجموعه اصل نفی سبیل در فقه اسلامی متقدم و مورد قبول و توافق قاطبه فقهای اسلامی بدین شرح است:

الف) جایز نبودن ولایت غیرمسلمان بر مسلمان.

ب) جایز نبودن مشورت از غیرمسلمان در امور مسلمین.

ج) سقوط حق قصاص غیرمسلمان.

د) عدم جواز تزویج غیرمسلم با مسلم.

ه) عدم ثبوت حق شفعه برای غیرمسلم.

به موجب این قاعده فقهی، می‌بایست دخالت بیگانگان در انتخابات کشور به هر نحوی ممنوع شود. در حال حاضر رویه سیاسی بدین شرح است که کشورها در انتخابات کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری کرده تا نامزد مورد حمایت آن‌ها بر سرکار بیاید. مهم‌ترین جنبه این حمایت، اقدامات مالی می‌باشد. بنابراین هزینه‌کردهای انتخاباتی، می‌تواند روزنه نفوذ بیگانگان تلقی شود. بر مبنای شرع اسلام، می‌بایست تمامی روزنه‌های نفوذ بیگانگان در انتخابات مسدود شود. به موجب تبصره دوم ماده سوم قانون نظارت بر هزینه‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی، دریافت هرگونه کمک از منابع غیرایرانی ممنوع است. هدف قانون‌گذار از وضع این قانون، عدم دخالت بیگانگان در مسائل داخلی کشور بوده و با توجه به همسویی آن با قاعده نفی سبیل، می‌توان آن را جنبه اسلامی بوده الگو دانست.

۴-۲ الگوی ایرانی

مفهوم تبلیغات را برخی چنین گفته‌اند: «کاربرد کم‌ویش منظم و به‌طور سنجیده و برنامه‌ریزی‌شده نهادها، عمدتاً از راه القای فنون روان‌شناختی مربوط به آن، به‌منظور دگرگون ساختن و کنترل عقاید افکار و ارزش‌ها، و درنهایت، تغییر اعمال آشکار در جهت مسیرهای از پیش تعیین‌شده.» پس عناصر تشکیل‌دهنده آن، عبارت است: (بزرگمهری، ۱۳۹۴: ۸۲۱).

- ❖ برقرارکننده ارتباط که قصد تغییر ایستارها، عقاید و رفتارهای دیگران را دارد.
- ❖ نهادهای نوشتاری و گفتاری یا رفتاری که برای برقرار کردن ارتباط به کار می‌روند.
- ❖ وسیله و ابزار ارتباط.
- ❖ مخاطب با اثرپذیرنده.

به عبارت دیگر، تبلیغات شامل هر تلاش سامانمند برای نفوذ یک عقیده بر حجم وسیعی از افراد با استفاده از مفاهیم سمبولیک است.

به موجب قانونی که در سال ۱۳۹۸ وضع شد و الگوی ایرانی نظارت بر انتخابات را تکمیل نمود، دریافت کمک مالی در انتخابات مجلس شورای اسلامی، از دو طریق ۱- منبع خارجی و ۲- اشخاص حقوقی منع گردید. منع دریافت کمک از منبع خارجی در راستای تکمیل الگوی اسلامی نظارت مالی بوده که راه نفوذ بیگانگان در جریان سیاسی کشور را مسدود نموده است. منع دریافت کمک مالی از اشخاص حقوقی به‌منظور منع مداخله آنان در امورات سیاسی است،

چراکه شخصیت حقوقی در راستای منافع دیگری شکل گرفته و ورود آن‌ها به سیاست به بروز نوعی فساد منتهی می‌گردد. تنها اشخاص حقوقی که با اهداف سیاسی تشکیل شده، احزاب بوده و بنابراین آن‌ها مجاز به ارائه کمک به نامزدهای مدنظر خود خواهند بود. اما دیگر اشخاص حقوقی غیر از احزاب فاقد اهداف سیاسی می‌باشند.

هدف از ممنوعیت‌های مرتبط با اعانات در قوانین انتخاباتی این است که مشارکت‌های مالی که به فرآیند دموکراتیک انتخابات آسیب می‌رساند متوقف گردد. سه نوع محدودیت در اغلب کشورها در رابطه با هزینه‌های انتخاباتی وجود دارد: کمک مالی از (الف) منابع خارجی، (ب) منابع ناشناس و (ج) منابع دولتی (در این مورد مقررات در جهت استفاده از منابع عمومی در انتخابات وجود دارد و این ممنوعیت مطلق نیست).

ممنوعیت کمک مالی دولتی به احزاب سیاسی یا نامزدهای یکی از رایج‌ترین اشکال ممنوعیت در مقایسه با سایرین است، که در ۸۵ درصد کشورهایی که اطلاعات در رابطه با آن‌ها وجود دارد اعمال می‌گردد (حبیبی، ۱۳۹۰: ۳۲۵). به نظر می‌رسد که نگرانی از سوءاستفاده احتمالی از منابع دولتی از مهم‌ترین ملاحظات است که در ایجاد این ممنوعیت تأثیر دارد. به عبارت دیگر، سوءاستفاده از منابع دولتی به وسیله حزب حاکم به جهت اینکه خود را در موقعیت بهتری در مقایسه با سایر احزاب رقیب قرار دهد، نیز یکی از دلایل استفاده از منابع دولتی در انتخابات است. در واقع استفاده از منابع دولتی از سوی حزب حاکم باعث عدم تساوی در میدان رقابت سیاسی می‌گردد که این خود موجب می‌گردد که همه شهروندان در فرآیند دموکراتیک نتوانند به‌طور مساوی مشارکت داشته باشند. اغلب کشورها به‌منظور اینکه اعمال نفوذ ناروا در انتخابات را محدود نمایند اعانات بینام یا ناشناس به نامزدهای احزاب سیاسی را ممنوع کرده‌اند.

علاوه بر ممنوعیت‌های مرتبط با هزینه‌های انتخاباتی، کشورها ممکن است محدودیت‌های را نیز بر هزینه‌های انتخاباتی تحمیل کنند. محدودیت‌ها بر احزاب و هزینه‌های مبارزات انتخاباتی برای اجتناب از افزایش افراطی هزینه‌های احزاب سیاسی استفاده می‌شود، نابرابری بین احزاب کنترل می‌گردد و میزان نفوذ ناروا پول و فاسد کاهش می‌یابد.

یکی دیگر از جنبه‌های مربوط به محدودیت‌های هزینه، موضوع به‌اصطلاح هزینه شخص ثالث توسط افراد یا گروه‌هایی است که بخشی از یک کارزار سیاسی نیستند اما ممکن است برای

تبلیغ یا مخالفت با نامزد یا حزب سیاسی خاص، پول خرج کنند. در هنگام تعیین سقف برای هزینه‌های انتخاباتی، یک نظام انتخاباتی باید به این موضوع نیز توجه داشته باشد که آیا هزینه شخص ثالث نیز موضوع محدودیت‌ها قرار می‌گیرد که بر هزینه‌های انتخاباتی تحمیل شده است تا اینکه موقعیت نابرابر در انتخابات که ممکن است در نتیجه هزینه‌های نامحدود شخص ثالث برای شکست یا انتخاب یک نامزد، ایجاد شده از بین برود.

از لحاظ نظری، «شفاف‌سازی» به سه دسته تقسیم می‌شود که با یکدیگر بی‌ارتباط نیستند (آسانته و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۷).

نوع نخست را شفاف‌سازی اطلاعات نام نهاده‌اند. بدین معنا که مردم باید از بازیگران و تصمیمات حکومتی آگاه شوند و به اطلاعات حکومتی دسترسی داشته باشند.

نوع دوم یا شفاف‌سازی مشارکتی به این معناست که همه مردم باید بتوانند شخص یا از طریق نمایندگان خود به صورت شفاف در تصمیمات سیاسی شرکت کنند. برخی محققان اساساً مشارکت را مستلزم شفاف‌سازی اطلاعات دانسته‌اند تا آنجا که «السدرا برترس»، در مقاله دسترسی به اطلاعات حکومتی می‌نویسد: «هرگونه مشارکت سیاسی بی‌معناست.» به نظر رابرنس: اگر محدودیتی در این زمینه هست باید به‌صراحت و روشنی قانونمند گردد و توجیهات قانع‌کننده‌ای برای آن وجود داشته باشد (بزرگمهری، ۱۳۹۴: ۸۵۴).

سومین نوع «شفاف‌سازی پاسخگویی» است؛ یعنی حکومت یا هر نهاد تصمیم‌گیرنده، ناظر و جز آن، هنگام تخلف از قانون یا هنگامی که عملکرد آن تأثیر جدی بر منافع مردم دارد در برابر نظام قضایی و نیز در برابر افکار عمومی به‌طور صریح و روشن پاسخگویی عملکرد خود باشد. در این میان، افکار عمومی به‌ویژه رسانه‌های گروهی می‌توانند به مردم کمک کنند تا عملکرد و نحوه فعالیت حکومتی را به‌درستی بشناسند، امکان مشارکت در تصمیمات سیاسی را پیدا کنند و در نهایت، مقامات رسمی را وادار به پاسخگویی کنند.

سلامت انتخابات عامل مهمی در تأمین آزادی و بی‌طرفی انتخابات و مشارکت احزاب، داوطلبان، گروه‌های ذی‌نفع و رأی‌دهندگان به حساب می‌آید. همچنین سلامت انتخابات، جزء ذات اصول دموکراسی و بخش جدایی‌ناپذیر انتخابات آزاد و بی‌طرفانه است (حبیبی، ۱۳۹۰: ۲۴۸).

انتخابات آزاد، بی طرفانه و رقابتی سنگ بنای حکومت‌های مبتنی بر نمایندگی است. بدون سلامت انتخابات، هیچ تضمینی برای انعکاس یافتن خواسته‌های رأی‌دهندگان در نتایج انتخابات وجود ندارد.

۳-۴ کاستی‌های الگوی کنونی

تا اینجا الگوی اسلامی-ایرانی نظارت مالی بر انتخابات، ضمن تشریح مفاهیم مرتبط، معرفی شد. در این قسمت کاستی‌های الگو مورد بحث قرار گرفته و به راهکارهای رفع آن‌ها نیز اشاره شده است.

۱-۳-۴ نظارت مقطعی

به موجب قانون مصوب سال ۱۳۹۸، نظارت تنها بر منابع مالی واریزی به حساب نامزد انتخاباتی می‌باشد. در واقع تنها در زمان انتخابات و به صورت متمرکز بر روی نامزد و حزب اصلی حامی وی، نظارت مالی صورت می‌پذیرد. بنابراین راه دور زدن این نوع نظارت ساده است. می‌توان کمک‌های دریافتی از منابع نامشروع را به حساب یکی از نزدیکان واریز نمود و از آن بهره‌برداری کرد. اشخاص حقوقی نیز می‌توانند کمک‌های خود را به نام اشخاص حقیقی اهداء کرده که کاملاً قانونی می‌باشد. قانون‌گذار به این نکته توجه نکرده که شخصیت حقوقی توسط چند شخصیت حقیقی اداره شده و این کمک‌ها توسط اشخاص حقیقی بلامانع است. بسیاری از شرکت‌ها در واقع دارای یک مالک بوده که ۹۸ درصد سهام را به نام خود سند زده و برای قانونی کردن عمل مذکور، دو شریک از نزدیکان خود، هر یک به میزان یک درصد سهم دارند. البته در اصلاح جدید قانون تجارت، شرکت‌های با مالکیت یک نفره پیشنهاد شده تا مشکلات این حوزه به حداقل برسد، که البته پس از گذشت حدود دو دهه، هنوز قانون جدید تجارت به تصویب نرسیده و قانون پیشین پس از گذشت حدود یک قرن، اعتبار حقوقی لازم را دارد. به هر حال در این وضعیت کنونی، مالکان نهادی شرکت‌ها، می‌توانند به سهولت نسبت به کمک‌های مالی به نامزدها اقدام نمایند. احزاب می‌توانند واسطه کمک‌رسانی به نامزدها بوده و این منبع به هیچ عنوان رصد نمی‌شود. بنابراین منابع نامشروع می‌توانند به واسطه احزاب، کمک‌های لازم را به نامزدها برسانند و قانون نیز به راحتی دور زده می‌شود (پارسا و عطریان فر، ۱۳۹۹: ۵). اگر به مورد مشابه در غرب نگریده شود، نظارت مالی دائماً بر همه شهروندان اعمال می‌شود (در الگوی فرانسوی که در ادامه جزئیات آن بیان شده است، نظارت دائمی مالی پیش بینی شده

است). در این وضعیت، نمی‌توان قانون نظارت مالی را دور زده و ریسک پول‌شوئی به شدت افزایش می‌یابد. اما نظارت مقطعی و با تمرکز بر اشخاص خاص، زمینه برای استفاده از اشخاص دیگر را فراهم کرده و در واقع می‌توان اثر وضع این قانون را خنثی شده دانست. اما اگر نظارت‌ها به درستی اعمال شوند، همان اشخاص از بابت افزایش ناگهانی ثروت مورد بازجوئی قرار گرفته و منابع نامشروع کسب ثروت به خوبی قابل شناسایی است (یوسفی، ۱۳۹۸: ۵۵).

۲-۳-۴ عدم تضمین آینده پس از انتخابات

مطابق قانون، افراد شاغل در پست‌های اجرائی، می‌بایست چند ماه پیش از انتخابات از پست خویش استعفا دهند. اما پس از انتخابات آینده سیاسی آن‌ها نامشخص است. بنابراین از ترس آینده شکست نامزد انتخاباتی، ممکن است کمک‌هایی به وی اعطاء شود (هانسن^۱ و همکاران، ۲۰۲۲: ۸۹۰).

این مهم از بابت عدم دخالت قضائی در امور نامزد رقیب بوده که با اختیارات وی ممکن است. این اقدام تحسین‌برانگیز توسط ریاست قوه قضائیه اجرا شد، چراکه مشاغل قضائی در زمره مشاغل اجرائی محسوب نشده و الزامی به استعفای آنان پیش از برگزاری انتخابات وجود ندارد. متأسفانه قانون‌گذار به این مورد توجه نکرده و موجب ایجاد ترس از عدم پیروزی وی برای عده‌ای شده که الزاماً به وی کمک خواهند نمود. تشخیص برخورد نامزد شکست‌خورده با نامزد پیروز در مثال بیان‌شده به خوبی مشخص است و این برخورد در خصوص اشخاص حقوقی می‌تواند تبیین شود. بنابراین با تمرکز بر این مورد، می‌بایست مانع از کمک اجباری برای آنان شد.

۴-۴ الگوی فرانسوی

جمهوری فرانسه قانون نظارت مالی بر انتخابات پارلمانی این کشور را در سال ۱۹۸۸ به تصویب رساند و الگویی شناور را در این باره پیشنهاد داد. به موجب این الگو؛ حسب سوابق قضائی، کیفری، سیاسی و به‌طور کلی خوش‌نامی هر نامزد، اعتماد به وی افزایش یافته و سقف هزینه‌های انتخاباتی برای وی تعیین می‌گردد. بر این اساس ممکن است یک کاندیدا به نسبت کاندیدای دیگر از اختیارات بهتر مالی برخوردار باشد. سامانه تهیه‌شده در وزارت کشور فرانسه

تمامی فعالیت‌های انتخاباتی را کدگذاری کرده و برای تبلیغات بدون کد، مجازات سنگین تعیین نموده است (روبتکوا و پاونکو، ۲۰۱۸: ۹۳).

پیش از بررسی الگوی فرانسوی، به این نکته اشاره شود که نظام سیاسی کشور فرانسه از نوع نیمه‌پارلمانی- نیمه‌ریاستی بوده و از این رو با نظام سیاسی کشورمان مشابهت دارد. در کشورهای با نظام سیاسی پارلمانی، انتخابات آثار سیاسی بیشتری داشته و در نظام سیاسی ریاستی، این تأثیر به حداقل ممکن می‌رسد. در فرانسه، پارلمان از اختیارات نسبتاً محدودی برخوردار است.

باین حال پارلمان این کشور، در سال ۱۹۸۸، قانونی مشتمل بر ۴۸ ماده با عنوان «نظارت بر سلامت مالی پارلمان»^۱ به تصویب رساند. به موجب این قانون، امتیازات بین ۱ تا ۱۰، در ۵ بعد ۱- سلامت مالی، ۲- سلامت سیاسی، ۳- سلامت ملی، ۴- فرهنگی و ۵- صلاحیت علمی لحاظ شده و اداره کل اطلاعات پلیس این کشور مسئول رتبه‌بندی نامزدهای تأیید صلاحیت شده است (ویدودو، ۲۰۱۹: ۱۱۱). از آنجاکه این رتبه‌بندی برای نامزدهای تأیید صلاحیت شده انجام می‌شود، بنابراین افرادی که صلاحیت آن‌ها از حدی مشخص پائین‌تر باشد، در این رتبه‌بندی حضور نداشته و افراد حاضر در رتبه‌بندی از حداقل‌های صلاحیت سیاسی برخوردارند.

به موجب ماده یکم این قانون، هدف از نظام رتبه‌بندی، تعیین صلاحیت هر نامزد در صرف هزینه‌های انتخاباتی، به‌دوراز هرگونه تعصب و در کمال بی‌طرفی می‌باشد. نمایندگان احزاب در جریان رأی‌گیری رتبه‌بندی اداره اطلاعات پلیس حضور داشته و البته هویت رأی‌دهندگان ناشناخته خواهد ماند.

منظور از سلامت مالی، میزان دست‌پاکی نامزد به نسبت مدت فعالیت‌های خود می‌باشد. بنابراین طول مدت صدارت نامزدها باتوجه به رابطه نسبی بیان‌شده موجب افزایش امتیاز می‌گردد. در مواردی که طول مدت فعالیت‌های دولتی نامزد تا ۳۰ سال بوده و موردی از فساد مالی در مورد آن‌ها یافت نشود، سقف هزینه‌کرد آن‌ها تا ۵۰ میلیون یورو نیز افزایش خواهد داشت (سوماروی^۳ و ندرورو^۴، ۲۰۲۲: ۳۵۰).

1 Suivi de la santé financière du Parlement

2 Widodo

3 Soemarwi

4 Ndruru

منظور از سلامت سیاسی، فقدان اعتراض اشخاص سیاسی به نسبت طول دوره فعالیت سیاسی می‌باشد. اعمال سازش کارانه وی و فقدان فرصت‌طلبی نیز لحاظ گردیده و در صورت سابقه مناسب سیاسی نامزد، سقف هزینه‌کرد تا ۶۰ میلیون یورو نیز افزایش خواهد یافت (سوماروی و ندرورو، ۲۰۲۲: ۳۵۵).

منظور از صلاحیت ملی، فقدان مشکلات امنیتی و میزان وطن‌دوستی نامزد در طول مدت فعالیت‌های وی می‌باشد. این مهم در دریافت هزینه‌ها از منابع خارجی نقش مهمی دارد. در صورتی‌که یک کاندیدا به مدت ده سال سابقه خدمت دولتی داشته، و در طی چند دوره سفرهای خارجی، فاقد مشکلات امنیتی تشخیص داده شود؛ حق دارد از منبع خارجی تا سقف ۱۰۰ هزار یورو کمک مالی دریافت کرده، منوط به این‌که منشأ آن را به سازمان اطلاعات این کشور اعلام نماید. در صورت خوش‌نامی کاندیدا و سابقه بالای صدارت، این سقف تا ۱۵۰ هزار یورو نیز قابل‌افزایش است (هونگ، ۲۰۱۹: ۱۰).

در خصوص صلاحیت فرهنگی، که به معنای فقدان سوء‌پیشینه قضائی و خوش‌نامی در محل زندگی می‌باشد، سقف کمک دریافتی از اشخاص حقیقی تا ۱ میلیون یورو قابل تأیید است. احزاب، بدون سقف مشخص حق دریافت کمک از اشخاص حقیقی را دارند، منوط به این‌که گزارش آن را به اداره اطلاعات اعلام کرده و درعین حال تا سقف ۱ میلیون یورو مجاز به حمایت باشند. نکته قابل‌توجه این‌که نامزدهای مستقل تا دوبرابر مقدار مذکور حق دریافت کمک دارند. اشخاص حقوقی نیز تا ۱ درصد سرمایه‌های خود حق کمک مالی به نامزدها را دارند، منوط به این‌که تنها از یک نامزد حمایت کنند (هیلر، ۲۰۱۹: ۷۴).

منظور از سابقه علمی، میزان تحصیلات و فعالیت‌های علمی بوده که موجب افزایش سقف کمک از اشخاص حقوقی تا ۱۰۰ هزار یورو می‌گردد (هیلر، ۲۰۱۹: ۷۴).

تمامی فعالیت‌های انتخاباتی از سامانه وزارت کشور کد دریافت کرده و برای تبلیغات بدون کد، منع فعالیت سیاسی و حبس تا ده سال پیش‌بینی شده است. بنابراین نامزدها در چارچوب قانون به فعالیت پرداخته و در این صورت میزان دریافت کمک مالی و هزینه‌کرد آن به‌درستی

1 Hong
2 Hillier
3 Hillier

مشخص شده و ضمانتی بر اجرای بهتر قانون تلقی می‌گردد. نکته قابل توجه دیگر، ارتباط بین نامزد پیروز و حامیان مالی بوده که توسط وزارت اطلاعات این کشور (و نه اداره اطلاعات پلیس) رصد گردیده و در صورت مشاهده سوءاستفاده از قدرت و انجام امورات خارج از حیطه قانونی، ضمن لغو مصونیت پارلمانی، برای آن‌ها کیفرخواست صادر شده و ممکن است از ادامه فعالیت سیاسی آن‌ها ممانعت شود (کلسی، ۲۰۱۵: ۴۴).

نقطه قوت این الگو، نظارت دقیق و شناور بر فعالیت نامزدها بوده و تاکنون گزارشی از سوءاستفاده کلان از منابع مالی گزارش نشده و در حد مسائل جزئی باقی مانده است. نکته قابل توجه اینکه احزاب این کشور در چارچوب نظام دموکراسی غربی آزادانه به فعالیت پرداخته و در این بستر، قابلیت اعمال قانون مذکور وجود دارد. تنها نقطه ضعف این الگو، صرف انرژی بالای مسئولین اطلاعاتی برای نظارت بر این فعالیت‌ها بوده که برای دولت فرانسه هزینه‌هایی در پی دارد. اما به‌طور کلی اجرای این الگو در کشور فرانسه همچون دیگر الگوهای حقوقی، با موفقیت همراه بوده و توانسته مانع از خروج نظام پارلمانی از مسیر سلامت گردد.

۵- روش پژوهش

در این پژوهش با اتخاذ روش استدلالی و تحلیل توصیفی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه آن با دیدگاه‌های علمای حقوق و مدنظر قرار دادن مواد قانون و آراء و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف و تجزیه و تحلیل آن‌ها به نتیجه‌گیری ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای اسنادی، و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت‌های حقوقی و جمع‌آوری و بررسی آن‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور فقهی و حقوقی می‌باشد، همچنین روش تجزیه و تحلیل و بررسی، به صورت تحلیلی-توصیفی است.

۶- یافته ها

تا اینجا به معرفی دو الگوی ایرانی و فرانسوی نظارت مالی بر انتخابات پرداخته شد. ذیلاً در سه بند، امکان اجرای الگوی فرانسوی در کشورمان مورد بحث قرار گرفته است.

۶-۱ چالش‌های اعمال الگوی فرانسوی در ایران

در کشور ما احزاب در چارچوب مردم‌سالاری دینی فعالیت داشته و قانون آن مشخص است. این قانون در سال ۱۳۹۵، مشتمل بر ۲۳ ماده به تصویب رسید. این در حالی است که قانون احزاب در کشور فرانسه که در چارچوب دموکراسی غربی فعالیت دارد؛ از قدمتی صدساله برخوردار بوده و ضمانت‌های اجرایی مناسبی برای آن پیش‌بینی شده است (هیلر، ۲۰۱۹: ۸۸). لذا در چنین وضعیتی، اعمال الگوی فرانسوی در کشور با مشکلات جدی مواجه خواهد شد و امکان سوءاستفاده از آن فراوان است. در حله اول نیاز است که قانون احزاب با ضمانت اجرایی مناسب، در چارچوب مردم‌سالاری دینی به تصویب برسد.

در فرانسه، اداره اطلاعات پلیس این کشور که از استقلال نسبی برخوردار است؛ مسئول رتبه‌بندی بوده و سلامت این نهاد به اثبات رسیده است. در کشور ما تنها صلاحیت شورای نگهبان به اثبات رسیده که این شورای ۱۲ نفره از توان لازم برای این‌چنین نظارتی (الگوی فرانسوی) برخوردار نیست نیاز است که با اعطای استقلال نسبی، نهادی صالح و پرتوان برای نظارت مالی بر انتخابات مجلس شورای اسلامی تعیین کرد و ضمن تعیین ضمانت لازم، سازوکار آن را مشخص نمود. در وضعیت کنونی کشور، رتبه‌بندی تعیین‌شده می‌تواند به‌عنوان روزنه اعمال قدرت استفاده گردد (هیلر، ۲۰۱۹: ۸۸).

نکته قابل توجه دیگر این که اعمال قاعده فقهی «نفی سبیل» به‌صورت مطلق بوده و در این‌باره مسامحه وجود ندارد. دریافت کمک از منبع خارجی، به‌صورت کلی خلاف این قاعده بوده و این مهم در الگوی فرانسوی به رسمیت شناخته‌شده است. اعمال چنین اختیاراتی در کشور ما خلاف اصول کلی نظام بوده و غیرممکن است.

باتوجه به مطالب مطروحه زیرساخت‌های لازم برای اعمال الگوی فرانسوی در کشور وجود نداشته و نیازمند اصلاح اساسی برخی ساختارهاست. در عین حال برخی بندهای الگوی فرانسوی همچون دریافت کمک از منبع خارجی، با خط قرمزهای نظام جمهوری اسلامی در تناقض بوده

و این الگو به صورت کامل قابلیت اعمال در کشور را ندارد. در عین حال الگوی کنونی اسلامی - ایرانی دارای چالش‌هایی بوده که نیاز به اصلاح دارد.

۲-۶ بایسته‌های اصلاح قانون موضوعه

چنانچه بیان شد، اقدامات تقنینی در خصوص نظارت مالی بر نامزدهای انتخاباتی ضعیف ارزیابی می‌شود. قانون‌گذار کشورمان بسیار دیر هنگام و در سال ۱۳۹۸ قانون مربوطه را با نام «قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی» به تصویب رساند. بنابراین می‌توان توجه قانون‌گذاران به این مهم را دیر هنگام دانست، به خصوص آنکه خود قانون‌گذاران در مورد این قانون ذی‌نفع می‌باشند. در قانون اساسی کشور ما سازوکاری برای تصویب قانونی که خود قانون‌گذاران در آن ذینفع می‌باشند وجود ندارد. احتمال دارد که در جریان وضع قانون، منافع احتمالی نامشروع برخی قانونگذاران مورد توجه قرار گیرد. طبیعتاً وضع قانون توسط کسانی که خود مشمول آن هستند زمینه‌ساز فساد خواهد بود. از طرف دیگر این قانون تنها ناظر بر هزینه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی می‌باشد. در کشور ما چهار انتخابات معروف شامل ۱- ریاست جمهوری، ۲- مجلس شورای اسلامی، ۳- مجلس خبرگان و ۴- شورای اسلامی شهر و روستا وجود داشته و تمامی این موارد می‌تواند از طریق تأمین هزینه‌های انتخاباتی محل فساد قرار گیرد. بنابراین در وحله اول نیاز است که نظارت بر تمامی جنبه‌های انتخابات اعمال شود و نه تنها یک نوع انتخابات. حتی در انتخاب ریاست جمهوری که بالاترین مقام اجرائی کشور محسوب می‌گردد، می‌توان با تأمین هزینه‌های انتخاباتی یک نامزد در امورات سیاسی دخالت نمود که به این مسئله توجهی نشده است.

قانون مذکور مشتمل بر ۱۲ ماده و ۱۴ تبصره به تصویب رسیده و به موجب ماده هفتم آن، یکی از حساب‌های بانکی نامزد برای نظارت مالی انتخاب می‌شود. اما به دیگر جنبه‌های نظارت مالی توجه نشده است. در خصوص نظارت همگانی که به آن اشاره شد، نیاز است که منبع حقوقی مستقلی تدوین و تصویب گردد. در این صورت نهادهای ناظر که در قانون شناسایی می‌شود، می‌توانند بر فعالیت‌های مالی همه شهروندان نظارت کنند. پول سندی است که توسط بانک مرکزی چاپ شده و مابین مردم توزیع می‌گردد. اگر منبع جدید پول توسط بانک مرکزی چاپ زده نشود، میزان کلی پول نزد مردم ثابت است و تنها از حسابی به حسابی دیگر منتقل

می‌شود. بنابراین رصد همگانی این منابع امری بس ساده فرض می‌شود. اما در صورتی که تنها بر یک شخص خاص نظارت صورت گیرد، قاعده مذکور در خصوص وی صادق نیست. بنابراین نیاز است که نظارت همگانی در این خصوص صورت گرفته تا نظارت مالی نه تنها در بخش انتخابات بلکه به صورت عمومی برای همه شهروندان اعمال شود.

۳-۶ بایسته‌های اصلاح مقررات اجرائی

نامزدها به مشاغل دولتی یا خصوصی اشتغال دارند. معمولاً نامزدها در سطوح محلی و ملی فعالیت سیاسی داشته و اصل حضور آنان در سیاست، پابرجاست مگر به خواست خود آنها. نامزد در صورت پیروزی در انتخابات به موقعیت جدید سیاسی دست یافته و در صورت شکست نیز معمولاً به موقعیت هم‌ارز خود جابجا می‌شود. چنانچه اشاره شد، قوه محترم قضائیه در اقدامی پسندیده، شکست انتخاباتی یک قاضی را علتی بر انتقال وی به خارج از استان دانست. نیاز است که قوه مجریه از این رویه الگوبرداری نماید. موقعیت جدید نامزد شکست خورده نباید به نحوی باشد که برای نامزد پیروز و طرفداران وی مشکلاتی ایجاد نماید. باتوجه به اینکه در این خصوص قانون مشخصی وجود ندارد، نیاز است که قوه مجریه سازوکار آن را در حیطه اختیارات خود تدارک بیند. در صورتی که انتخابات در سطح محلی باشد، انتقال نامزد قدرتمند به خارج از استان، یکی از گزینه‌های مناسب برای حفظ سلامت انتخابات ارزیابی می‌شود. باهدف آنکه انتقال به خارج از استان می‌تواند نوعی تبعید تلقی شود، پیشنهاد شده که با اعطای پست مناسب به نامزد شکست خورده، تصور تبعید وی ملغی شود.

اما در سطح کشوری که مردم در کل کشور نسبت به انتخاب ریاست جمهوری اقدام می‌نمایند، رجال سیاسی نامزد بوده که هر یک پست‌های مهمی در سطح کشور دارند. یکی از شروط نامزدی ریاست جمهوری طبق اصل یک‌صد و پانزدهم قانون اساسی، رجال سیاسی بودن است. بنابراین در خصوص آینده سیاسی نامزد شکست خورده بحث‌های فراوانی مطرح است. در این باره پیشنهاد شده که اعطای پست بالاتر از پست کنونی نامزد تنها با موافقت ریاست جمهوری ممکن باشد، چراکه برخی از نامزدها باهدف همراهی با نامزدی که احتمال پیروزی وی بیشتر است، پا به عرصه انتخابات گذاشته و هدف آن‌ها کسب پست پائین تر از ریاست

جمهوری می‌باشد. اما در برخی موارد نباید خصومت با نامزد پیروز محل بروز برخی اعمال ناشایست سیاسی تلقی گردد.

مسئله مهم دیگر آن است که از بیم قدرت سیاسی یک نامزد، گاه نظارت مالی بر هزینه‌های انتخاباتی وی ممکن نیست. اما می‌بایست مدنظر داشت که قانون برای همه یکسان بوده و ناظرینی مستقل و قدرتمند را می‌بایست در این مورد تعیین نمود. بنابراین از نظر اجرائی انتخاب ناظرین می‌بایست به صورت مستقل و کمیته‌ای انجام شده که هیچ‌یک از اظهار نظرات خود بیمی نداشته باشند. بدین صورت می‌توان به آینده سیاسی سالم امیدوار بود.

نتیجه گیری

سؤال اصلی پژوهش این بود که وجوه افتراق و اشتراک، و همچنین نقاط قوت و ضعف الگوی ایرانی و فرانسوی نظارت مالی بر انتخابات چیست و بایسته‌های اعمال الگوی فرانسوی در ایران به چه صورت است؟

در پاسخ می‌توان بیان داشت که در الگوی ایرانی، تمرکز خاص بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، و به صورت مقطعی و تنها در جریان انتخابات انجام شده و یکی از مشکلات اساسی محسوب می‌شود. ضمن آنکه به واسطه‌گری‌های مالی و همچنین به آینده نامزد شکست خورده نیز توجهی نشده است.

برای اعمال الگوی فرانسوی در کشور، نیاز است که ضمن ممنوعیت کامل دریافت کمک از منابع خارجی، اعضای شورای نگهبان را برای نظارت جامع مالی افزایش داده و در سطح شهرستان‌ها شعب آن تشکیل شود. قانون احزاب می‌بایست اصلاح شده و سامانه مشابه در الگوی فرانسوی در وزارت کشور راه‌اندازی گردد. برای تخطی از آن مجازات سنگین تعیین شده و در نهایت اینکه نظام رتبه‌بندی متناسب با کشور طرح‌ریزی شود.

نیاز است که در الگوی جدید، ابتدا قانون جامعی برای نظارت عمومی بر فعالیت‌های مالی شهروندان تعبیه شده تا نه تنها در بحث انتخابات، بلکه در تمامی موارد، منابع مالی نامشروع شناسایی شوند. سپس با اصلاح قانون سال ۱۳۹۸، نظارت مالی بر تمامی انتخابات‌ها اعمال شده و نظارت بر تمامی مسائل مالی احزاب نیز رصد شود. در بعد اجرائی نیز می‌بایست آئین‌نامه‌ای

وضع شده که انتصاب نامزد شکست خورده به پست‌هایی که زمینه انتقام‌جوئی را فراهم می‌کند منع گردد. در این صورت می‌توان محیط انتخابات را سالم دانست. پیشنهادهای مبتنی بر نتیجه تحقیق بدین صورت ارائه شده و امید است که مورد توجه مسئولین قرار گیرد.

فهرست منابع

- احمدی، علی (۱۳۹۴). انتخابات در ایران، تهران: میزان، جلد اول.
- اکبری، محمدتقی؛ هاشمی، سیدمحمد؛ رستمی، ولی (۱۳۹۹). هزینه‌های انتخاباتی و آزادی سخن، تعالی حقوق، ۲۶(۲)، ۱۳۸-۱۶۴.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی ایران و جمهوری فرانسه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد اول.
- پارسا، محمد؛ عطریان، فرامرز (۱۳۹۹). شفافیت هزینه‌های انتخاباتی و نقش آن در تحقق حکمرانی مطلوب، کنفرانس حقوق.
- حبیبی، نادر (۱۳۹۰). فساد اداری، عوامل موثر و روش‌های مبارزه، تهران: تقفی، جلد اول.
- خسروی، حسن (۱۳۹۴). حقوق انتخابات دموکراتیک، تهران: مجد، جلد اول.
- صادقی، علی (۱۳۹۲). ضمانت‌های حقوقی سلامت انتخابات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- قمری، حسین؛ اعظم پور، سجاد (۱۳۹۶). شفافیت در هزینه‌های انتخاباتی و نقش آن در کاهش فساد، تهران: علم استادان، جلد اول.
- مرادپور، احمد (۱۳۹۷). هزینه‌های مالی در نظام انتخاباتی ایران، تهران: آموزشی تالیفی ارشدان، جلد اول.
- یوسفی، مصطفی (۱۳۹۸). شفافیت هزینه‌های مالی و تاثیر آن در انتخابات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- اصفهان‌ی (فاضل هندی)، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ه.ق). کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، قم: آل بیت، جلد دوم.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۰ ه.ق). رسائل فقهیه، قم: مجمع الفکر الاسلامی محقق، جلد اول.
- بجنوردی (۱۳۸۹). القواعد الفقهیه، قم: دارالقلم، جلد اول.
- حلی، علامه، ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۰۹ ه.ق). شرائع الاسلام، قم: امیر، جلد اول.
- نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳ ه.ق). فوائد الاصول، قم: آل بیت، جلد سوم.
- Asante, G., Gajdushek, G., & Bartha, A. (2022). Agenda to adoption: understanding the mechanisms driving fee-free policy development in Sub-Saharan Africa through policy change frameworks. *Policy Sciences*, 1-24.

- Dumont, G. F., & Kante, S. (2018). The Geopolitics of Senegal. From Senghor to Macky Sall's Election (La géopolitique du Sénégal. De Senghor à l'élection de Macky Sall). From Senghor to Macky Sall's Election (La géopolitique du Sénégal. De Senghor à l'élection de Macky Sall).
- Fee, L. K. (2020). Retracing the political construction of race and ethnic identity in Malaysia and Singapore: Career of a concept.
- Guerra Filho, A. (2019). PhD Thesis: The Brazilian Law of Democracy and Its Implications for Competition Law.
- Hansen, K., Eskaf, S., & Mullin, M. (2022). Avoiding punishment? Electoral accountability for local fee increases. *Urban Affairs Review*, 58(3), 888-906.
- Hasen, R. L. (2022, September). Identifying and Minimizing the Risk of Election Subversion and Stolen Elections in the Contemporary United States. In *Harvard Law Review Forum* (Vol. 135, pp. 2021-50).
- Hillier, D. (2019). EBOOK: Corporate Finance: European Edition. McGraw Hill.
- Hong, Z. (2019). Mapping the historical development and perceptions of democratic elections in China since 1949. *Asian Journal of Social Sciences and Management Studies*, 6(1), 7-14.
- Kelsey, J. (2015). The New Zealand experiment: A world model for structural adjustment?. Bridget Williams Books.
- Rubtcova, M., & Pavenkov, O. (2018, February). Using of blockchain in electronic election in russia. In *Blockchain & Bitcoin Conference, Bengaluru, India* (Vol. 22).
- Smith, H. H. (2021). Revisiting the History of the Independent State Legislature Doctrine. Available at SSRN 3923205.

- Soemarwi, V. W., & Ndruru, T. (2022, April). Impact of the Regional Election in South Nias Regency During the Covid-19 Pandemic: Juridical Review of Law Number 2 of 2020 on State Financial Policy and Financial System Stability for Handling the Covid-19 Pandemic. In 3rd Tarumanagara International Conference on the Applications of Social Sciences and Humanities (TICASH 2021) (pp. 348-354). Atlantis Press.
- Widodo, H. (2019). The Legal Politics of the Inquiry Rights of the House of Representatives Post 1945 Constitutional Amendment. *JL Pol'y & Globalization*, 85, 123.